

# درس سیزدهم

دین پژوه گرامی در این درس با این مطالب آشنا خواهید شد

- دوره شناسی تصوف
- تفاوت صوفی و مُستَـصوف
- آسیب ها و اشکالات فرق صوفیه

## دوره‌شناسی تصوف

در دوره‌شناسی تصوف می‌توان گفت:

تصوف در دوره‌ای سنی و منتقد اهل بیت است (البته معاند و ناصبی نیست) مثل سفیان ثوری این انتقادات نسبتاً مربوط به رفتار اهل بیت بود؛ که چرا ائمه کار و تلاش می‌کنند. این دوره از تصوف، بحث علمی و معرفتی نداشتند. در مرحله بعد، تصوف سنی محب اهل بیت پیدا شد و از معارف اهل بیت نیز در تصوف استفاده می‌کردند مثلاً علی ابن عثمان هجویری در قرن پنجم در کتاب کشف المحجوب، یا ابوالقاسم قشیری در قرن پنجم در رساله قشیریه از فرمایشات اهل بیت استفاده می‌کنند و بعد از این، ما شاهد ادامه تصوف سنی محب اهل بیت هستیم، لذا الان همه فرقه‌های صوفیه سنی مثل سهروردیه، قادریه، چشتیه و غیره، محب اهل بیت هستند و شاخه دیگری که انشعاب پیدا کرد از این جریان در قرن نهم، تصوف شیعه است، در واقع، گروهی از اهل سنت به شیعه گرایش پیدا کرده و تصوف را ادامه دادند.

دوره دیگر به این صورت است: الف) تصوف در ابتدا به صورت جریانی اجتماعی ظهور کرد (ب) به تدریج به جریانی معرفتی اجتماعی تبدیل شد یعنی از قرن پنجم به بعد، کتاب‌هایی نوشته شد و تصوف بعد معرفتی یافت و نظام‌سازی پیدا کرد (ج) به جریانی معرفتی فلسفی تبدیل شد، وقتی که عرفان نظری توسط ابن عربی در قرن هفتم نوشته شد، البته برخی از این جریانات اجتماعی به این راه نرفته‌اند و هنوز فرقه‌های صوفیه اجتماعی هستند و کاری به مباحث عرفان نظری ندارند. عرفا در اثر سیر و سلوک حقایقی را شهود کرده‌اند و برخی از آن‌ها این شهود را بیان کرده‌اند مثل هجویری یا عطار در کتاب تذکره الاولیاء و ابن عربی در صدد این بود که این بیانات را به صورت نظام معرفتی مطرح کند یعنی فقط به بیان شهود اکتفا نمی‌کرد بلکه به تبیین شهود نیز می‌پرداخت و مبادی و مقدمات عرفان را دقیقاً مشخص می‌کرد و بعد از این مرحله افرادی عرفان را مدلل و استدلالی بیان کردند افرادی نظیر ابن تَرکه و بعد از او ملاصدرا بودند، ملاصدرا بیش از دیگران به بیان استدلالی عرفان پرداخت.

## تفاوت صوفی و مستصوف

اما همه این شخصیت‌ها مثلاً ملاصدرا، ابن تَرکه، ابن عربی، و حتی هجویری متوجه شدند که همین عرفان و تصوفی که به دنبال حقیقت است به جریان اجتماعی باطلی تبدیل شده است، یعنی ابتدای جریان باطلی در مقابل اهل بیت بود و در ادامه نیز به جریان باطلی تبدیل شده است لذا بین صوفی و مستصوف تفاوت قائل شده‌اند و بحثی به عنوان جهله صوفیه را مطرح کرده‌اند و مثلاً ملاصدرا کتاب دارد به نام "کسر اصنام الجاهلیه" یعنی شکستن بت‌های جاهلیت و منظورش از بت‌های جاهلیت، همین صوفیه جاهل هستند صوفیه‌ای که شریعت را کنار گذاشته و به طریقت روی آورده‌اند و با ادعای حقیقت نماز و روزه را کنار گذاشته‌اند با انجام اعمالی از قبیل شرب خمر و استعمال مواد مخدر مدعی سیر و سلوک نیز می‌باشند و خود را پیرو عرفان می‌دانند.

## آسیب‌ها و اشکالات فرق صوفیه

برخی از اشکالات عمده تصوف به شرح زیر بیان می‌گردد:

اگر تصوف فقط مسائل معنوی و عرفانی خالص از اهل بیت و قرآن و سنت پیامبر بود؛ مشکلی نداشت اما مشکلی که این فرقه‌ها دارند این است که به شدت از مطالب هندی‌ها، بودایی‌ها و برخی آیین‌های دیگر استفاده کرده‌اند کتابی است از ابوریحان بیرونی به نام «التحقیق ماللهند» که سفر نامه وی از هندوستان است وی در این کتاب می‌نویسد: در هندوستان آداب مشترکی بین صوفیه و هندوها وجود دارد، این نشان گر تأثیر هندوها در مقطعی بر تصوف است، سؤال مطرح این است که آیا اسلام در بیان و سیر و سلوک عرفانی، ناتوان است؟ و ما مجبوریم از آیین هندویی و بودایی استفاده کنیم؟ این سؤال یکی از اشکالات مهم و جدی در این زمینه است. یا مثلاً ارتباط که با راهبان مسیحی داشته‌اند و اصلاً تفکر ساختن خانقاه در کنار مسجد را یک راهب مسیحی به صوفیه یاد داد. ممکن است این سؤال پرسیده شود که چه اشکالی وجود دارد مگر ما حسینیه و مهدیه و زینبیه نداریم؟ ساختن خانقاه چه اشکالی دارد؟ بحث در مورد ساختمان سازی نیست این ساختمان، بدعت است اما بدعت ممدوح است و حرام نیست و اشکالی ندارد، اما اشکال خانقاه در این است که آدابی در خانقاه انجام می‌شود که برای رسیدن به حقیقت از طرف شرع بیان نشده است و به عبارت دیگر چیزی را در شرع افزوده‌اند که جزء شریعت نیست، مثلاً می‌گویند: اگر می‌خواهید به کمال برسید، باید قطب در مقابل شما باشد و چهره آن قطب همیشه در ذهن شما ترسیم شود و تجسم پیدا کند و حتی در هنگام نماز و عبادت نیز این چهره در ذهن شما باشد و الا به خدا نمی‌رسید و این بدعت است و بدعت مذموم است. ما در نماز باید به یاد خدا باشیم و حمد و سوره را بفهمیم، نه اینکه چهره قطب در ذهن ما باشد، حتی برخی از اندیشه‌های یونانی و نوافلاطونی که ما الان به بیان آن نمی‌پردازیم.

تفسیر به رأی از مفاهیم و تعلیمات دینی: مثلاً در ترجمه یک آیه از مطالبی که از هندوها آموخته‌اند استفاده می‌کنند و این آیه را تفسیر به رأی می‌کنند، مثلاً آیه «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» را به این صورت تفسیر می‌کنند که قرآن می‌گوید: وقتی به یقین رسیدید دیگر عبادت لازم نیست، در صورتی که قرآن می‌فرماید: «حتی» نمی‌فرماید: «الی» و «حتی» یعنی تا وقت یقین هم باید عبادت را ادامه دهید، تفسیر به رأی‌هایی که با قواعد ادبی سازگاری ندارد.

اسلام گزینشی: بسیاری از موارد می‌گویند: ما کاری به اسلام سیاسی و اجتماعی نداریم و همین که در کناری به عبادت خدا پردازیم، کفایت می‌کند و حسن بصری اینگونه بوده است. کسانی که مدعی هستند که حسن بصری شاگرد امیر المؤمنین بوده است و از ایشان خرقة گرفته است باید به این سؤال پاسخ دهند؛ در هنگام وقوع جنگ جمل حسن بصری ۱۴ یا ۱۵ سال سن داشته است، آیا وی به یاری امام پرداخت؟ بلکه نقل شده است که وی روزی در حال وضو گرفتن بود و اشتباهی کرد و امام به او تذکر داد وی در پاسخ به اما گفت: تو کسانی که وضو و نماز درست می‌خواندند را

گشتی و حالا به من تذکر می‌دهی، امام فرمود: اگر بر حق بودند چرا به حمایت از آن‌ها برخواستی؟ او پاسخ داد: "به خدا قسم صبح غسل کردم و از بصره خارج شدم و به طرف منطقه جنگ جمل آمدم منادی به من ندای داد که حسن نرو، الْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولِ كِلَاهُمَا فِي النَّارِ، قاتل و مقتول هر دو در آتش هستند و تا سه روز این کار را انجام دادم و در هر سه روز این اتفاق برای من رخ داد" و امیر المؤمنین فرمودند: "بله درست است آن منادی برادرت شیطان بود و راست می‌گفت: قاتل و مقتول اصحاب جمل؛ اهل نار و آتش هستند و تو سخن او را درک نکردی" البته برخی دیگر نیز گفته‌اند این ماجرا درست نیست و حسن بصری اهل این مسایل نبود، اما سؤال مطرح این است که حسن بصری متوفای ۱۱۰ هجری است و امیر المؤمنین، امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر (علیهم السلام) را درک کرده است، آیا در تاریخ موردی ذکر شده است که یکی از این معصومین را یاری کرده باشد؟ او چه شیعه‌ای است که در تاریخ هیچ یک از این معصومین نقشی نداشته است. او کسی بود که در مسجد عبادت می‌کرد و گاهی اوقات مباحث معرفتی نیز مطرح می‌کرد این اسلام، اسلام گزینشی است و اسلام جامع نگر نیست، اسلام علی (علیه السلام)، اسلام جامع نگر است و هر فعلی را در موعد مقرر انجام می‌دهد در هنگام نماز، نماز می‌خواند و در هنگام جهاد، جهاد می‌کند، باید به همه ابعاد و ساحت‌های اسلام توجه شود.

بهره برداری استعمار از تصوف: در ۱۵۰ الی ۲۰۰ سال اخیر که فراماسونری تقویت شده است و فعالیت می‌کند تصوف، به عنوان ابراز مورد استفاده فراماسونری و استعمار قرار گرفته است و در اسناد منتشر شده از اسامی اعضاء و افراد مرتبط با فراماسونری اسامی اقطاب صوفیه و فرقه‌های مختلف آن دیده می‌شود، اما وقتی نوبت به سیاست می‌رسید و پای دفاع از سیاست اسلامی به میان می‌آمد حرف آن‌ها اینگونه بود که مثلاً طاووس العرفا که نامش سعادت علی شاه در مورد مشروطیت اینچنین گفته بود: ما یک نفر دهاتی زارع و درویش هستیم و نمی‌دانیم مشروطیت یا استبداد چه معنی دارد و اینچنین کاری نداریم، مطیع امر دولت می‌باشیم خواه مشروطه باشد خواه مستبد باشد.

### اباحی‌گری:

البته همه فرقه‌های صوفیه دچار اباحی<sup>۱</sup>‌گری نیستند اما برخی از آن‌ها اینگونه هستند و اباحی‌گری دارند. مثلاً آقای جواد نور بخش که یکی از انشعابات فرقه نعمت‌اللهی است و ساکن کشور آمریکا است در این کشور خانقاهی تأسیس کرد و مریدانی هم داشت در تصاویر ویدئویی منتشر شده از این فرقه عدم رعایت حلال و حرام و محرم و نامحرم کاملاً مشهود است و این را هم طریقت، عرفان و تصوف می‌دانند.

کشف و شهودهای شیطانی که برخی از آن‌ها دارند و همین رفتارهای غلط سبب شده است روایات زیادی از اهل بیت در نقد تصوف صادر شود، که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

روایت از امام حسن عسکری به نقل از امام صادق (علیهما السلام): شخصی از امام صادق (علیه

السلام) سوال کرد نظر شما در مورد ابوهاشم کوفی صوفی چیست؟ امام فرمودند: *كَانَ فَاسِدَ الْعَقِيدَةِ جِدًّا وَ هُوَ الَّذِي ابْتَدَأَ الْمَذْهَبَ الَّذِي يُقَالُ لَهُ التَّصَوُّفُ وَ جَعَلَهُ مَقْرَأًا (یا مَقْرَأًا) لِلْعَقِيدَةِ الْخَبِيثَةِ يَعْنِي مَذْهَبَ بَاطِلِي بِه نام تصوف برای عقیده خبیثه خود درست کرده است. روایات بسیاری وجود دارد که صوفیه را دشمن اهل بیت، فریب کار، هم پیمانان شیطان و ویران گر مبانی دین معرفی می کند. حتی اگر فرقه صوفی یافت شد که این فرقه از تمام این آسیب مبرا باشد، باز هم دارای اشکال هستند و اشکال آنها این است که؛ به حدی در عرفان غرق شده اند که عقلانیت در تصوف ضعیف است و در مقابل دنیای مدرن و توطئه های استعمار، مشکلات و انحطاط مسلمین فکری ندارند و مانند یک خرس خفته در خواب زمستانی هستند و اگر این خرس خفته بیدار شود جهان را برهم خواهد زد.*

این نکته حائز اهمیت است که برای مقابله با جریانات ضد فرهنگ باید از فرهنگ استفاده کرد و با استفاده از زور و شمشیر و اسلحه، نمی توان مسایل فرهنگی را دنبال کرد، این مسایل، جزء آسیب های فرهنگی است و باید از طریق فرهنگ با آنها مواجه شد نسل جوان اگر متوجه خطر تصوف فرقه ای شود به سراغ عرفان صحیح خواهد رفت.

### دوره شناسی تصوف

دوره اول؛ به دو مرحله تقسیم می شود:

الف) در مرحله اول، تصوف اهل سنت و منتقد اهل بیت می باشد. البته دشمن اهل بیت نیستند و این انتقادات بیشتر نسبت به رفتار اهل بیت و کار و تلاش ایشان بود و جنبه علمی و معرفتی نداشت.

ب) در مرحله دوم، تصوف اهل سنت محب اهل بیت قرار دارد که از معارف اهل بیت، در تصوف استفاده می نمودند.

دوره دوم که به سه مرحله تقسیم می شود:

الف) تصوف، در ابتدا جریانی صرفاً اجتماعی بود.

ب) تصوف، به تدریج به جریانی معرفتی و اجتماعی تبدیل شد.

ج) تصوف، به جریانی معرفتی فلسفی تبدیل شد و با عرفان نظری آمیخته گشت.

البته فرقه صوفیه این راه را نرفته اند و هنوز صرفاً جریانی اجتماعی هستند.

### تفاوت صوفی و مستصوف

همه شخصیت ها و بزرگان عرفان و تصوف اصیل، مانند ابن عربی، ابن ترکه، هجویری، ملاصدرا و غیره انحراف موجود در فرقه های صوفیه را ادراک کرده اند و با طرح مباحثی به نام جهله صوفیه بین صوفی و مستصوف تفاوت قائل شده اند، مثلاً ملاصدرا در کتابی به نام "کسر اصنام الجاهلیه" فرقه صوفیه و مستصوفین را اصنام جاهلیت معرفی می کند.

## خلاصه مطالب

آسیب‌ها و اشکالات فرقه‌های صوفیه  
فرقه‌های صوفیه به شدت تحت تأثیر آیین‌های بودایی و هندویی و حتی یونانی و مسیحی و ... هستند.

تفسیر به رأی از مفاهیم و تعلیمات دینی و استفاده از آیین‌های دیگر در تفسیر این مباحث. عمل به اسلام‌گزینشی و عدم اعتنا به مسایل سیاسی اجتماعی اسلام به بهانه عبادت و ذکر بهره‌برداری استعمار از فرقه‌های صوفیه  
اباحی‌گری و عدم رعایت حلال و حرام و حریم روابط محرم و نامحرم  
کشف و شهودهای شیطانی  
دور ماندن از عقلانیت، به بهانه غرق شدن در عرفان  
راه مقابله با جریان‌های ضد فرهنگ استفاده از فرهنگ می‌باشد.

## آزمون

- ۱ - روند تغییر تصوف کدام است؟  
الف) اجتماعی - معرفتی - فلسفی  
ب) معرفتی - فلسفی - اجتماعی  
ج) فلسفی - معرفتی - اجتماعی  
د) معرفتی - اجتماعی - فلسفی

- ۲ - منظور از اصنام جاهلیت چیست؟  
الف) اهل شریعت  
ب) فرقه‌های صوفیه  
ج) اهل عرفان و تصوف  
د) علمای عرفان نظری

- ۳ - کدامیک از آیین‌های زیر در تصوف تأثیر داشته‌اند؟  
الف) فلسفه یونانی  
ب) آیین بودا  
ج) تفکرات افلاطون  
د) تفکرات معتزله

- ۴ - تفسیر آیه «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» از نظر فرقه‌های صوفیه چیست؟  
الف) خدا را عبادت کنید تا به یقین برسید  
ب) وقتی به یقین رسیدید دیگر عبادت لازم نیست  
ج) تا به یقین نرسیده‌اید خدا را عبادت نکنید  
د) خدا را عبادت کنید و به او یقین داشته باشید

- ۵ - کدامیک از آسیب‌ها صوفیه است؟  
الف) تفسیر ظاهری از قرآن  
ب) استفاده نکردن از معارف اهل بیت  
ج) عدم پاسخ مناسب به جهان مدرن و انحطاط فکری مسلمین  
د) کسب درآمد نامشروع